



طی یک حمله غافلگیرانه : پیشمرگان کومه‌له در مریوان قاصدمتری پایگاه ارتش و پاسداران پیشروی کردند.



مبارزات کارگران تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز بر علیه توطئه تراج کارگران مبارز .

مقر پاسداران و جاشها در شهر سردشت دوبار مورد حمله پیشمرگان کومه‌له قرار گرفت .

● ۵۹/۱۰/۱۱ - شبانگامیک
دسته انبشمرگان کومه‌له (پل شهید
ابراهیم) وارد شهر شده و مدار
کمین گداری و شناسائی نقاط
مخطف شهر، در ساعت ۱۱/۵ شب
مقر پاسداران و جاشها واقع در محل
بانک کشاورزی را با موشک مورد حمله
قرار دادند. در این حمله پیشمرگان
ضرباتی به دشمن وارد آمد که از
میزان دقیق آن اطلاعی در دست
نیست.

● ۵۹/۱۰/۱۵ - در این شب
دو دسته انبشمرگان کومه‌له (انزل
شهید ابراهیم و پل شهید باغی) وارد
شهر شدند و در ساعت ۲ با مد
بارد بگر پاسداران و جاشهای
مستقر در بانک کشاورزی را از چند
سها سلاحهای سبک و سنگین مورد
حمله قرار دادند. پیشمرگان پس
از این حملات سالم به پایگاههای
خود بازگشتند .

از هنگامیکه پیشمرگان مقرهای
دشمن را مورد حملات پی در پی خود
قرار دادند، پاسداران و جاشها
شبها از ترس تیراندازی بهمورد و
براکندهای سردادند .

در کمین پیشمرگان کومه‌له در داخل شهر بانه : ۳ پاسدار کشته و زخمی شدند .

است و هر کس بخواهد دخالت کند
پایش گیری افتد .
معلوم نیست که تواین ملکیت
چه کسی کاری از دستش ساخته
است ؟ طی راستن را بخواهیم
اگر سطله رسیدگی به مشکلات و
مسائل زحمتکشان باشد عاجزند
اما اگر سرگوب و ایجاد خفقان باشد
همه از دستشان کار ساخته است
ان پاسدار کمیته گرفته تاریخس
جمهورش .

● بالاخره در تاریخ ۵۹/۹/۲۹
هیئت سفیری از دفتر نخست وزیر
به کارخانه رفته و اعلام میکنند که
هر کس شکایت با اعتراضید روابطه
با پاکسازی دارد، ارائه دهد .
کارگران هوشیار از ما موریت این
سه نفر آگاه میشوند که جریان
اخراجیهاست، فوراً طوماری
تهیه و به اعضای کارگران میرسانند
و خواستار بازگشت فوری اخراجیها
میشوند .

هیئت مزبور کارکنان اخراجی
ماشین سازی و تراکتورسازی را برای
رسیدگی مسئله به سالن شهرداری
در روز دوشنبه دعوت میکند . واضح
نقده، صفحه ۲۰

● ۵۹/۱۰/۲۱ - در روزهای آخر
مرداد ماه سال جاری در جریان
اعتراض دسته جمعی کارگران به
اخراج سفیر از کارکنان مبارز کار
خانه تراکتورسازی، هیئت
پاکسازی ادارات آذربایجان شرقی
۲۱ نفر از کارکنان مبارز را به بهانه
حکساری از کارخانه اخراج نموده و
وضعیت شغلی آنها را نامعلوم اعلام
کرد .

● طی این مدت کارگران اخراجی
تراکتورسازی و همچنین ماشین سازی
بارها به مجلس شورا، دفتر رئیس
جمهور و دفتر نخست وزیر رفته و
ضمن اعتراض به این عمل خواستار
روشن شدن وضعیت شغلی خود
شدند و بارها وعده بررسی و
ورسیدگی شنیدند ولی هیچ اقدامی
نشد . حتی مدت یکماه ونیم پیش
نمایند های از طرف دفتر رئیس
جمهور بنام تهرانی برای رسیدگی
به این مسئله تهریز آمده بود که
پس از وعده وعید بسیار حرف آخرش
این بود که : " راستن از دست من
کاری ساخته نیست چون در پروند
شما ما اعلامیه گروههای سیاسی



طی یک حمله غافلگیرانه : پیشمرگان کومه‌له در مریوان قاصدمتری پایگاه ارتش و پاسداران پیشروی کردند.



مبارزات کارگران تراکتورسازی و ماشین سازی تبریز بر علیه توطئه تاج کارگران مبارز .

مقر پاسداران و جاشها در شهر سردشت دوبار مورد حمله پیشمرگان کومه‌له قرار گرفت .

● ۵۹/۱۰/۱۱ - شبانگامیک
دسته انبشمرگان کومه‌له (پل شهید
ابراهیم) وارد شهر شده و مدار
کمین گداری و شناسائی نقاط
مخطف شهر، در ساعت ۱۱/۵ شب
مقر پاسداران و جاشها واقع در محل
بانک کشاورزی را با موشک مورد حمله
قرار دادند. در این حمله پیشمرگان
ضرباتی به دشمن وارد آمد که از
میزان دقیق آن اطلاعی در دست
نیست.

● ۵۹/۱۰/۱۵ - در این شب
دو دسته انبشمرگان کومه‌له (انزل
شهید ابراهیم و پل شهید بایزید)
وارد شهر شدند و در ساعت ۲ با مد
بارد بگر پاسداران و جاشهای
مستقر در بانک کشاورزی را از چند
سها سلاحهای سیک و سنگین مورد
حمله قرار دادند. پیشمرگان پس
از این حملات سالم به پایگاههای
خود بازگشتند .

از هنگامیکه پیشمرگان مقرهای
دشمن را مورد حملات پی در پی خود
قرار دادند، پاسداران و جاشها
شبهات از ترس تهراندازی بهمورد و
براکندهای سر بردانند .

در کمین پیشمرگان کومه‌له در داخل شهر بانه : ۳ پاسدار کشته و زخمی شدند .

است و هر کس بخواهد دخالت کند
پایش گیری افتد .
معلوم نیست که تواین ملکست
چه کسی کاری از دستش ساخته
است ؟ طی راستن را بخواهیم
اگر سطله رسیدگی به مشکلات و
مسائل زحمتکشان باشد عاجزند
اما اگر سرگوب و ایجاد خفقان باشد
همه از دستشان کار ساخته است
ان پاسدار کمیته گرفته تاریخس
جمهورش .

● بالاخره در تاریخ ۵۹/۹/۲۹
هیئت سمفوری از دفتر نخست وزیر
به کارخانه رفته و اعلام میکنند که
هر کس شکایت با اعتراضید روابطه
با پاکسازی دارد، ارائه دهد .
کارگران هوشیار از ما موریت این
سه نفر آگاه میشوند که جریسان
اخراجیهاست، فوراً طوماری
تهیه و به امضای کارگران میرسانند
و خواستار بازگشت فوری اخراجیها
میشوند .

هیئت منزه کارکنان اخراجی
ماشین سازی و تراکتورسازی را برای
رسیدگی مسئله به سالن شهرداری
در روز دوشنبه دعوت میکند . واضح
نقده، صفحه ۲۰

● ۵۹/۱۰/۲۱ - در روزهای آخر
مرداد ماه سال جاری در جریان
اعتراض دسته جمعی کارگران به
اخراج سمفرا از کارکنان مبارز کار-
خانه تراکتورسازی، هیئت
پاکسازی ادارات آذربایجان شرقی
۲۱ نفر از کارکنان مبارز را به بهانه
حکساری از کارخانه اخراج نموده و
وضعیت شغلی آنها را نامعلوم اعلام
کرد .

● وطنی این مدت کارگران اخراجی
تراکتورسازی و همچنین ماشین سازی
بارها به مجلس شورا، دفتر رئیس
جمهور و دفتر نخست وزیر رفته و
ضمن اعتراض به این عمل خواستار
روشن شدن وضعیت شغلی خود
شدند و بارها وعده بررسی و
ورسیدگی شنیدند ولی هیچ اقدامی
نشد . حتی مدت یکماه ونیم پیش
نمایندهای از طرف دفتر رئیس
جمهور بنام تهرانی برای رسیدگی
به این مسئله تهریز آمده بود که
پس از وعده وعید بسیار حرف آخرش
این بود که : " راستن از دست من
کاری ساخته نیست چون در پروند
شماها اعلامیه گروههای سیاسی

و چه در انتخاب و ارسال نمایند
 برای مذاکره حداکثر سعی شان بر-
 این بود که تمام " همه " کارها
 بدست آنها بوده و در واقع میخوا-
 ستند اولاً " خودشان از طرف
 کارگران با دولت طرف مقابل شوند
 - معامله با دشمنان کارگران آن
 چیزی است که دوست دارند - و
 از طرف دیگر به این طریق مبارزات
 کارگران را به آشتی و سازش بکشانند.
 بارها اتفاق افتاده که حرفهای
 کارگران در مورد ماهیت واقعی
 رژیم و اعمال ضد مردمی آنها و افشا
 آن آقایان چریک (اکثریت) را خیلی
 بیشتر از مقامات مسئول ناراحت کرد
 است. بارها با چشم فرود رفتن یا حتی
 پلستران مانع افشاگرها شده اند.
 سازمان چریکها (اکثریت)
 که در پشت پارژان به
 مبارزات کارگران و جاهلوسی در آستا
 سه رژیم برادر بزرگ خود حزب
 توده - پیشی گرفته است با وحشت
 و هراس تلاش میکند از او جکی سرخ
 مبارزات جلوگیری کند چون آتش
 این مبارزه آنها را هم خواهد
 سوزاند .

چنانکه او جکی مبارزات حق
 طلبانه در کردستان رسوایشان
 ساخت و از میان مردم طردشان
 کرد .

ماریوان

۵۹/۱۰/۲۲ - ساعت ۹ / ۵
 شب یکدسته از پیشمرگان کومله
 (پل شهید امین) تا یکصد متری
 پایگاه ارتشیان پاسداران و جاش
 های مستقر در روستای " دره ناخه "
 که در بین پایگاههای " بهکمره " و
 " دزلی " واقع است، پیشروی کرده
 و آن را با اسلحه های خود زیر
 آتش گرفتند .

حظه پیشمرگان آنچنان سریع
 و غافلگیرانه انجام گرفت که تا یک
 ربع ساعت بعد دشمن هیچگونه
 عکس العملی از خود نشان دهد و
 پس از آن بود که آنها شروع به

پرتاب خمپاره منور و تیراندازی می
 هدف نمودند .
 پیشمرگان پس از عقب نشینی
 منظم خود وارد یکی از آبادیهای
 نزدیک به پایگاه شده و در مورد
 جنبش مقاومت ما دلانه خلق کسرد و
 سیاستهای سرکوهگرانه و فریبکارانه
 رژیم جمهوری اسلامی برای مردم
 آنجا سخن گفتند که مورد استقبال
 قرار گرفت .

بانه

۵۹/۱۰/۱۳ - عصر این روز
 پیشمرگان کومله (لاسق شهید
 عبدالله مولوی) در داخل شهر
 بانه به کمین نیروهای دشمن می
 نشینند . با تار یک شدن هوا ده -
 ای از پاسداران گشتی شبانه
 کمین آنها می افتند و زنی را
 سلاحهای سبک پیشمرگان قرار
 می گیرند ، پاسداران با دادن دو
 کشته و یک زخمی از محل درگیری
 فرار کردند پیشمرگان پس از انجام
 این عملیات سالم به پایگاههای
 خود باز می گردند .

کاک عبدالرحمن احمدپناه ،
 هوادار فعال کومه له به ضرب گلوله
 پاسداران و جاشها به شهادت
 رسید

در شب ۵۹/۱۰/۱۳ - یکی از
 هواداران فعال کومه بنام کاک
 عبدالرحمن احمدپناه که از منزل
 خارج شده بود با همدمای آنها
 - اران و جاشهایی که کمین کرده
 بودند روبرو میشود . و در حالیکه
 سعی می کند با فریاد زدن پیش
 مرگانی را که در آن نزدیکی بودند
 از وجود کمین مزدوران رژیم آگاه
 گرداند ، بوسیله پاسداران و جاش
 ها به رگبار بسته شد و در دم به
 شهادت میرسد .

پاسداران جنازه را به صادر
 شهید اجازه دیدن جنازه فرزند

راندادند و او را مستخفیان
 بخاک سپردند .



بیان شهید

کاک عبدالرحمن احمدپناه

کاک عبدالرحمان احمدپناه
 انقلابی پرشور و جسوری بود که
 قلمش بخاطر خدمت به توده های
 ستمدیده می تپید و در راه خدمت
 به آنها از هیچگونه فداکاری دریغ
 نمی کرد .

کاک عبدالرحمان دانش آموز
 کلاس اول نظری بود . او در یک
 خانواده " تهیدست " بدنی آمد و
 از همان کودکی زندگی در فقر
 و رنج سپری شد ، و از هنگامیکه
 توانایی کار کردن پیدا کرد تمام
 روزهای تعطیل مد رس را بکار می
 می برداخت . و همراه با مادر
 فداکار و زحمتکش خود هزینه
 زندگی خانواده اش را تا " بین می
 نمود .

کاک عبدالرحمان کینه آشتی -
 ناپذیری نسبت به رژیم حامی
 سرمایه داران و مترجمین در دل
 داشت . و از اینرو در راه رها
 کارگران و زحمتکشان از زیرستم و
 استثمار بصف رفقای ما در شهر
 بانه پیوسته بود و همواره وظایفی
 را که به عهدش واگذار میشد با
 دقت و فداکاری کهنظیری با انجام
 می رساند .

شهید عبدالرحمان احمدپناه با
 زندگی کوتاه ولی پربارش در سبای
 ارزنده های از فداکاری
 و مبارزه " انقلابی
 با دشمنان طبقاتی کارگران و
 زحمتکشان به امید تاد
 ادامه راهم را افتخارش آنها را
 کارگرم .

دانش آموزان انقلابی کردستان
 با تار چنین گلهای نوشکفته ای
 راه خونین انقلاب را همواره
 توده های ستمدیده مردم ایران
 شومار می نمایند .

**روستاهای اطراف
میاندوآب همچنان خمپاره
باران میشود**

● ۵۹/۱۰/۲۷ - در اثر خمپاره باران روستای "حاجی حسن" واقع در منطقه شامات بوسپله ارتش و پاسداران مستقر در میاندوآب یک نفر زخمی و چند خانه ویران گردید و خسارات مالی فراوانی به مردم این روستا وارد آمد، از جمله تعداد زیادی از احشام تلف شدند.

● ۵۹/۱۰/۱۸ - از طرف پاسداران و ارتشیان مستقر در اطراف میاندوآب روستاهای سرچنار، بناگندی، کوخان، حاجی حسن، گنج آباد و تازکند با آره و توپ در وزن کوبیده شد. این خمپاره باران خوشبختانه تلفات جانی نداشت، اما به چند خانه سکونی خساراتی وارد آمد.

**اعدام یکی دیگر از مبارزین
شملابی در مهاباد.**

● خودداری مزدوران رژیم از دادن نفت وارد به نانوایشها.

**عملیات تهاجمی
اخیر پیشمرگان -
گومه‌له در داخل
شهر مهاباد.**

طی روزهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی موجی از دستگیری، شکنجه و اعدام مبارزین را در مهاباد همراه انداخته است و از ساعت ۸ شب تا ۷ صبح اعلام حکومت نظامی بود.

● روز ۵۹/۱۰/۲۰ یکسری از

مواد اران کومه بنام کسا کریم گلابی که از چند روز قبل بوسپله مزدوران رژیم دستگیر شده بود بجوخه آتش سپرده شد و اعدام گردید. شهادت این رزمنده شهید و نیز اعدامهای روزهای اخیر کینه و نفرت مردم ماززمهاباد را از رژیم باز هم افزایش داد ماست. یادکاک رحیم گلابی با مبارزه در راه آرمان برافتخار حق گواهی میداریم.

همچنین در این روز پیشمرگان کومه دوسار مقر پاسداران را مورد حمله قرار داده و کما ر نیز مد های از آنها را در یکی از خیابانهای شهر یکمین انداختند که خبر آن را قبلاً با گامیتان رسانده ایم. طبق اخبار رسیده در مجموع این حملات ۲۷ نفر از مزدوران رژیم بهلاکت رسیدند و سه تن از پیشمرگان زخمی گردیدند. مردمی که در کوچه و خیابانهای شهر مهاباد در این روزها با پیشمرگان روبرو میشوند، با شور و هیجان بسیار از آنان استقبال می کنند. پاسداران و جاسپاس جرات ظاهر شدن در برابر مردم را ندارند تنها گامگاهی با توپ سیل هایشان بسرمت از خیابانها رد می شوند. ترس و وحشتی که پاسداران و جاسپاسها تا چار از روز آن هستند پیش از پیش ریزی و ناتوانی آنها را در مقابل موج مقاومت تو دما

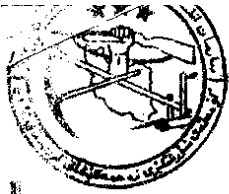
و نیروهای پیشمرگ نشان داده است تا چنانکه آنها از شدت درماندگی دست با اعدام مبارزین در بند میزنند.

● علاوه بر این از روز ۲۲/۱۰/۵۹ پاسداران از دادن نفت به نانوایشها خودداری کرده و از توزیع قند آرد در شهر جلوگیری کرده اند و بدینوسیله نیز دشمنی خود را با همه مردم مهاباد بار دیگر آشکارا نشان دادند.

هم میهنان مبارز!
سازمان ما را در انجام وظایفی که در مقابل جنبش انقلابی به عهده دارد یاری دهید.
مشکلات مالی و تدارکاتی ما بدون یاری شما حل نخواهد شد.
کمکهای خود را از هر طریق که برایتان ممکن است برسانید.

کاک رحیم گلابی و کاک عبد الرحمن احمد پناه انقلابیون راستینی بودند که جان خود را در مبارزه علیه رژیم ضد خلقی حاکم و در راه پیروزی کارگران و دیگر زحمتکشان ایران فدا کردند.

یادشان گرامی و راهشان بروام باد.



بمناسبت دوم بهمن (۲۲ری بهندان)

سی و پنجمین سالگرد اعلام جمهوری خودمختار کردستان

صمیمانه - ۱۰۷

اکنون ۲۵ سال است که از اعلام جمهوری خودمختار کردستان که مرکز آن در مهاباد بود میگذرد. بعد از تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان و تشکیل حزب دمکرات کردستان، در تاریخ دوم بهمن (۲۲ری بهندان) سال ۱۳۲۴، در میدان چوارچرا (چهارچراغ) مهاباد با حضور جمع کثیری از مردم منطقه و دیگر نقاط کردستان، در میان شور و شوق مردم، توسط شهید قاضی محمد جمهوری خودمختار کردستان اعلام گردید.

فشار و اختناق رژیم شاه که از هرگونه دموکراسی و آزادی بیان و مطبوعات و نشر آزادیانستند افکار و عقاید جلوه‌گیری میکرد از یک طرف و برخوردهای تنگ نظرانه از طرف دیگر مانع این شد که این جریان با دیدی علمی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. ما در زیر بطور مختصر ضمن اشاره به بعضی شرایط تاریخی و اجتماعی آن زمان به بررسی نقاط مثبت و منفی این جمهوری میپردازیم:

ملت کرد بخاطر پاره‌ای عوامل تاریخی از جمله قرار گرفتن بین دو امپراطوری فئودالی توسعه طلب ایران و عثمانی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نسبت به ملل مجاور منطقه عقب ماند. اما به هر حال، تاریخ و زبان مشترک و بعلاوه توسعه‌ی تدریجی تجارت و پیدایش و رشد طبقه‌ی متوسط تجار در اواخر قرن نوزدهم در سرزمین کردستان، سبب شدند که بین مردم این سرزمین خصوصیات و احساسات ملی مشترکی پدید آید. ستم و سرکوب دولتهای مرکزی - ظلم و باج‌گیری ما موران دولتی، جنگهای قومی و مذهبی علیه اهالی این سرزمین و جریحه‌دار کردن فرهنگ و احساسات ملی کردها، مردم کردستان را با رهنمای مبارزه علیه این دولت‌ها برمی‌تابانید و جنبشهای ملی را در میان آنها دامن میزد. طبقه متوسط کرمان که از تجارت تشکیل میشد، کسبه و دکاندان و پیشه‌وران شهر، روشنفکران (تحصیل کرده‌ها و طلبه‌های آن زمان)، دهقانان و خرده مالکین هر کدام بنحوی و در حد خود با تسلط حکومت مرکزی مخالف بودند. طبقه متوسط در عین مخالفت با دولت مرکزی و فئودالها، به خاطر موقعیت اقتصادی عقب مانده‌اش نمیتوانست خواستار تکانی انقلابی در جامعه باشد و بیشتر در پی سازش با فئودالها و ما موران دولتی بود تا مبارزه با آنها. بخش پائین تر جامعه یعنی کسبه و زحمتکشان شهر، روشنفکران و دهقانان از طبقه متوسط مترقی تر و در مبارزه علیه ارتجاع مرکزی و فئودالهای محلی قاطعتر و پیگیرتر بودند. خرده مالکین تا آنجا مخالف خودکامگی ما موران دولت و اربابان فئودال بودند که مایلکشان را از دستشان خارج نکنند. علاوه بر اینها فئودالها و روسای عشایر هنگامیکه حکومت مرکزی دچار ضعف میشد یا جنبش ملی اوج میگرفت، ظاهراً تحت عنوان "گورداهتی" در مقابل حکومت مدافع مردم میندند اما در حقیقت میخواهند اولاً موقعیت خود را در برابر دهقانان و سایر توده‌های مردم حفظ کرده، ثانیاً از فرصت بدست آمده برای تاخت و تاز بنفع خود استفاده کنند.

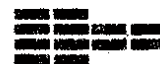
پیامی کومه‌له

منطقه موکریان در کردستان ایران در زمان جنگ جهانی دوم بخاطر داشتن روابط تجاری بسایر کردستان عراق و کردستان ترکیه و داشتن ارتباط اقتصادی و سیاسی با آذربایجان ایران و از آن طریق با آذربایجان شوروی، مرکز جریان‌های سیاسی و رشد مبارزه برای رفع ستم ملی گردیده و روند ارتش سرخ به شمال ایران و ضعف حکومت شاه، زمینه‌های برای پا گرفتن مبارزات سیاسی پدید می‌آورد. در این منطقه شد.

در ۲۵ شهریور سال ۱۳۴۱ هم‌راه با رشد مبارزات ملی در کردستان ایران، کومه‌له‌ی ژ.ک. (کومه‌له‌ی



گوامی بادیداد شهید خلیق کرد قاضی محمد



زبان‌وادی کورد) بوجود آمد که عناصری از طبقه متوسط، روشنفکران، کشه، زحمتکشان شهسوری، دهقانان و خرده مالکینی که مخالف سلسله مراتب فئودال - عشیره‌ای بودند، آن را تشکیل می‌دادند. کومه‌له ژ.ک. نماینده تمایلات ملی، مترقیانه و دموکراتیک اکثریت مردم کردستان ایران بود.

بعد از مدت‌ها که از جنبش‌های با رنگ ملی ولی رهبری فئودال - عشایر و فئودال - روحانیین در بخش‌های مختلف کردستان علیه حکومت‌های مرکزی منطقه می‌گذشت، کومه‌له ژ.ک. اولین جریانی بود که در یک جنبش ملی کردستان، رهبری فئودال - عشیره‌ای را مورد سوال قرار داده و از روابط ستمگانه فئودالی انتقاد نمود، که در نتیجه همین خصوصیت توانست از جانب بخشی از دهقانان مورد پشتیبانی واقع شود. علاوه بر آن کومه‌له ژ.ک. توانست عده‌ای از فرزندسان تحصیل کرده سران عشایر را که همچون خرده مالکین مخالف تسلط پدران عشایر خود بودند، بسوی خود جلب نماید. اعلامیه‌های کومه‌له ژ.ک. توسط اینگونه افراد در دهات به درودیوار منازل خانها و روسای عشایر پخش شده می‌شد. بدینجهت در آن زمان فئودالها و سران عشایر کومه‌له ژ.ک. و هواداران آن را در دهات مورد اذیت و آزار قرار داده و آنها را کافرو بیدین میخواندند و بدینوسیله میخواستند از گسترش افکار ترقیخواهانه که علیه تسلط مدها ساله آنان بود جلوگیری بعمل آورند.

اوجگیری مبارزات مردم و نفوذ روزافزون کومه‌له ژ.ک. همزمان بود با ورود ارتش سرخ به آذربایجان و کردستان و ضعف حکومت مرکزی. دولت شوروی مایل بود در آذربایجان و کردستان جمهوریهای دموکراتیکی ایجاد شود که به جای دشمنی با شوروی، دوست آن باشند. البته در اثر انقلاب کبیر اکتبر و آزادی طبقه کارگر روسیه و به رسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، در میان زحمتکشان و ملل ستمدیده سراسر جهان احساسات طرفداری از حکومت شوروی پدید آمده بود و توده‌های مردم آذربایجان و کردستان هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند. در چنین شرایطی بود که کومه‌له ژ.ک. - در اثر فشار نمایندگان دولت شوروی که به جای تکیه به توده‌های مردم در پی تکیه به عناصر مذهب نفوذ بودند - با اندک مخالفت از جانب بعضی از رهبران بالافره حاضرند نظر شوروی را قبول کرده و به تبدیل آن به حزب دمکرات کردستان کردن نهد. البته پائین بودن سطح آگاهی سیاسی اعضا رهبری کومه‌له ژ.ک. در قبول این تغییرات موثر بود.

قاضی محمدشخمی بود که به دلیل داشتن گرایشها و سنتهای ملی و نفوذ خانوادگی و شخصی او در میان طبقه متوسط، روحانیون و مالکین، از جانب شوروی برای رهبری جنبش مناسب تشخیص داده شد و به عضویت در رهبری کومه‌له ژ.ک. درآمد. و همان طور که گفتیم کومه‌له ژ.ک. با پشتیبانی و اصرار نمایندگان دولت شوروی به حزب دمکرات کردستان تبدیل گردید.

بدینال تأسیس حزب دمکرات و سپس اعلام جمهوری خودمختار کردستان و انتخاب قاضی محمد بعنوان رئیس جمهور (پیشوا) و برگزیدن نخست وزیر و اعضا کابینه، حکومت خودمختار آغاز بکار کرد و کمتر از یک سال حکومت آن ادامه داشت.

در طی اینمدت، بیمانی بین دو جمهوری خودمختار کردستان و آذربایجان که دربرگیرنده تعهد همکاریهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بود، در بهار سال ۱۳۲۵ به اضاء رسید. طرفین تعهد کردند که هر نوع مذاکره‌ای با تهران با موافقت و طرف انجام گیرد. همچنین قرار شد که اقلیت ترک در جمهوری خودمختار کردستان و اقلیت کرد در جمهوری خودمختار آذربایجان از حقوق اداری و فرهنگی متناوی با بقیه مردم هرکدام از این جمهوریها برخوردار گردند. در آخر موافقتنامه اضافه گردیده بود که نقض هرکدام از این مواد موجب تضعیف وحدت تاریخی ملتهای ترک و کرد خواهد شد. به علاوه قرار شد دوهیئت زیرین از طرفین این موافقتنامه را با جراد آورند:

هیات کردستان: قاضی محمد، محمدحسین سیف قاضی، سید عبدالله گیلانی، عمرخان شکاک، رشید بیگ هرکی، زیروبیگ هرکی و قاضی محمدخضری (قاضی شنو).

هیات آذربایجان: جعفر پیشه‌وری، حاج میرزا علی شیمتری، صادق پادگان، سلام‌الله جابرسو محمدبیریا.

جمهوری خودمختار کردستان اقدام به افتتاح مدارس نمود، که در آنها به زبان کردی تدریس میشد. همچنین عده‌ای از جوانان و تحصیل کرده‌های کرد را به تبریز و اتحاد شوروی برای تحصیل در دانشگاهها آنجا فرستادند. در این جمهوری زندانی سیاسی وجود نداشت و کسی بخاطر عقیده دستگیر نمیشد. چند